

به کسب نفوذ سیاسی ناروا در اروپا بپردازد و در نهایت عرصه هموار و قانون‌بنیادی ایجاد می‌کند که در آن شرکت‌های اروپایی، همان‌گونه که شرکت‌های چینی می‌توانند در اروپا رقابت کنند، در بازار چین رقابت کنند.

یک سیستم هماهنگ برای خرید بدهی‌های دولت

مانند آمارهای وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، اتحادیه اروپا نیز باید یا یک سیستم آماری واحد و یکپارچه برای دارندگان خارجی بدهی‌های عمومی دایر کند و یا یک سیستم هماهنگ راه‌اندازی کند تا این اطمینان حاصل شود که کشورهای عضو از استانداردهای حسابداری مشابه استفاده می‌کنند. این شرایط تغییرات زیادی برای فروش چین و یا دیگر سرمایه‌گذاران ایجاد نمی‌کند. فقط باعث ایجاد شفافیت در فروش است. در حال حاضر، فقدان حسابداری در اروپا و ابهام خود چین، بدین معناست که چین با هیاهو برای به حداکثر رساندن نتیجه دیپلماسی عمومی می‌تواند خرید کند و بدون هیچ گونه تبلیغاتی کالای خود را بفروشد و در نتیجه کشورهایی را که با آن اختلاف‌نظر دارند تهدید کند. این وضعیت در هر دو سیاست خارجی و تجارت و روش‌های سرمایه‌گذاری اتحاد اروپا را تهدید می‌کند. چین همچنین از آشکارسازی [میزان] منابع خود در بدهی‌های کشورهای عضو اصلی و یا از تحقق مسائل مربوط به اوراق قرضه اروپا بهره‌مند می‌شود.

باشد. به عبارت دیگر، باید افزایش وابستگی متقابل را بپذیرد، اما مطمئن شود که هر دو طرف به یکدیگر [به‌طور متوازن] وابسته‌اند و نه افزایش وابستگی یک‌طرفه اروپا به چین. تنها دو گزینه دیگر پیش روی اروپا وجود دارد: حمایت‌گرایی از تولیدات داخلی، که تنها باعث می‌شود از قدرت رقابتی اروپا در سطح جهانی کاسته شود و هزینه‌هایش بالا برود و یا پذیرش هرج و مرج ناشی از سرمایه‌های یارانه‌ای چینی و تأمین‌کنندگان سرمایه‌گذاری و کالاهای عمومی کم‌قیمت که می‌تواند باعث تضعیف موقعیت چانه‌زنی هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا بشود. برای شرکت‌های چینی محیطی ناامن به‌وجود بیاورد و همچنین باعث تنش‌های سیاسی و اجتماعی در اروپا بشود. در نتیجه حضور چین در اروپا همان پاسخی را می‌طلبد که باید به بحران اوراق قرضه دولتی و بانکی قلمروی داد: نمایشی از وحدت سیاسی و یک فرآیند سیاسی منطبق بر این وحدت. این کار در زمانی که اولویت بسیاری از دولت‌های اروپایی رسیدن به انسجام بودجه‌ای پیروزی یا در انتخابات آینده است، آسان نیست. همان‌طور که سفیر یکی از کشورهای عضو در چین در نیاز فوری به سرمایه‌گذاری با حسرت گفت: "امیدواریم که اروپا قبل از اینکه قرارداد ما به اتمام برسد، عکس‌العملی از خود نشان ندهد". بالین وجود، اروپا می‌تواند برای پاسخ به هر یک از سه راهی که چین از طریق آنها به طور فزاینده در اروپا حضور پیدا می‌کند، اقداماتی از خود نشان دهد. این اقدامات مانع می‌شود که چین با استفاده از قدرت مالی خود

شده‌اند، خواهد شد. این بدان معنی نیست که اروپاییان باید چین را برای ماهیتش، یک اقتصاد دولت‌محور سخت‌کوش که کار و صرفه‌جویی را پیشه خود کرده است تا به قدرتی جهانی در اقتصادی بدل شود، سرزنش کنند. اما اروپایی‌ها واقعاً نیازمند متحد شدن بر سر منافع جمعی خود هستند. اروپا گزینه بستنی یا مدیریت تجارت [مطابق امیال خود را] ندارد زیرا باعث افزایش قیمت کالاها و خدمات وارداتی می‌شود و در نتیجه استاندارد زندگی در آن صدمه می‌بیند. در عوض، بیش از هر چیز باید برای هموار کردن زمین بازی و دسترسی متقابل به اقتصاد چین هدف‌گیری نماید. این به معنی تعبیه یک راهبرد دقیق و یکپارچه از روابط متقابل است که در آن شرکا می‌توانند رفقای هم باشند. اروپایی‌ها نیز باید نقاط ضعف خود را در نظر بگیرند. به‌عنوان مثال، انتقاد کردن از یارانه‌های اعطایی چین به قراردادهای خارج از کشور به‌حق است. اما منطق سوداگرانه چین از دفتر برخی از سیاست‌های صنعتی اروپا برگرفته شده است. از آنجا که بخش‌های محافظت شده هنوز هم در اقتصاد بسیار دیده می‌شود، اروپا به رقابت نیاز دارد. اگر هزینه‌های حمل و نقل، ارتباطات و زیرساخت‌های انرژی در اروپا در نتیجه رقابت چینی کاهش یابد، خبری خوش برای مصرف‌کنندگان اروپایی خواهد بود ولی در هر حال رقابت باید عادلانه باشد. به‌طور خاص، اروپا با دو چالش مواجه است. باید ظرفیت‌های نظارتی و چانه‌زنی که بازار براساس آن تاسیس شده است را حفظ کند و گسترش دهد. اما درعین حال باید به دنبال یک مدل متعادل برای مبادلات اقتصادی با چین باشد تا به اصلاح هر دو اقتصاد کمک کرده



منطق سوداگرانه چین از دفتر برخی از سیاست‌های صنعتی اروپا برگرفته شده است. از آنجا که بخش‌های محافظت شده هنوز هم در اقتصاد بسیار دیده می‌شود، اروپا به رقابت نیاز دارد. اگر هزینه‌های حمل و نقل، ارتباطات و زیرساخت‌های انرژی در اروپا در نتیجه رقابت چینی کاهش یابد، خبری خوشی برای مصرف‌کنندگان اروپایی خواهد بود ولی در هر حال رقابت باید عادلانه باشد